

دیدگاه

اولاند یا سارکوزی؟ «التحریر» لطفاً



رحمان بوذری

-

■ چرا نمی‌توان و نباید انتخابات فرانسه را جدی گرفت؟ پاسخ به این سوال در شرایطی که فرانسه عقب‌گردی پنج‌ساله را با نیکولا سارکوزی تجربه کرده چندان آسان نیست. اولاند نماینده امید به بهبود نسبی وضع طبقات فرودست، مهاجران، بیکاران، بازنشستگان، اصلاح نظام آموزشی، رونق تولید ملی، رشد اقتصادی و تغییر سیاست خارجی است و سارکوزی تجسم ماترک ترس اخلاقی در سیاست فرانسه، ترسی که لحظه معرف آن انتساب مارشال پتن به ریاست حکومت ویشی، دولت دست‌نشانده نازی‌ها در فرانسه است. از اینها گذشته، از دید منتقدان سارکوزی، وی پرچمدار «بودی» و «کوتولگی» در صحنه سیاسی است. لحن تند و پرخاشجوی او، علاقه شدیدش به خودنمایی، جنجال‌های زندگی خصوصی، همه و همه نشانه‌های ابتدایی است که گریبانگیر سیاست‌ورزی اروپایی و آمریکایی شده. عصر کوتوله‌های سیاسی به سر آمده. چند سال قبل اولین‌شان به تاریخ پیوست: جورج دبلیو بوش. چند ماه قبل دومین‌شان: سیلویو برلوسکونی. حالا هم نوبت سارکوزی است، هرچه آخرین‌شان نخواهد بود. پس در وهله اول دستور کار اصلی، زودن «بتدلی» است که منتقدان سارکوزی، وی را به آن متهم می‌کنند، ولی ذوق‌زده نباید شد. از اینجا تا اعاده حیثیت از مردم راهی طولانی در پیش است. رفتن یا نرفتن سارکوزی در جهانی که از احزاب چپ چیزی جز یدک کشیدن صفت «سوسیالیست» باقی‌نمانده تأثیری در ادامه بازی ندارد. بازی در همان زمین با همان قواعد و با همان سرعت و شتاب ادامه دارد. بحران اقتصادی، ناپهنجاری‌های اجتماعی، برنامه‌های ریاضتی اتحادیه اروپا و در یک کلام بی‌اعتنایی به مردم در همان سطح باقی می‌ماند. کافی است ۲۰ سال به عقب برگردیم؛ ۱۹۸۱، فرانسوی‌های خسته از بحران اقتصادی و حاکمیت احزاب دست‌راستی به فرانسوا میتران، نامزد حزب سوسیالیست رای دادند که در ائتلاف با کمونیست‌ها با ۱۴ سال ریاست‌جمهوری فرانسه، عنوان طولانی‌ترین دوره ریاست‌جمهوری را نصیب حزب سوسیالیست کرد. به لطف حکومت میتران با تنبایی و همدستی حزب کمونیست فرانسه هر گونه اشاره و ارجاع به «کارگر» جای خود را به واژه «مهاجر» داد. از آن پس دیگر خبری از کارگران نبود. در بهترین حالت مهاجران، حومه‌نشینان و غیرخودی‌هایی بودند که باید به تدریج حذف می‌شدند. واکنش سارکوزی به شورش حومه‌های پاریس (۲۰۰۵) مبنی بر «جمع کردن این کثافت‌ها از خیابان» حد نهای همین منطق بود. در طول دوران میتران لغو محدودیت‌های نظام مالی، اتخاذ سیاست تعدیل اقتصادی و خصوصی‌سازی به مراتب بیشتر دنبال شد، آن‌هم تحت‌لواء «سوسیالیسم». قانون شومنان (chevenement law) تنها در چنین زمینه‌ای قابل طرح بود. پیشنهادی که با جابه‌جاکردن دویند از قانون مصوب اجلاس اتحادیه اروپا درباره حقوق خارجیان در خاک فرانسه می‌کوشید به ظاهر موازین روشن‌تری برای حقوق و جایگاه پناهندگان در فرانسه وضع کند ولی در عمل منجر به این می‌شد که مهاجران در عوض داشتن کارت عبور و مرور، باید مدرک رسمی ۱۰ سال حضور مستمر در خاک فرانسه ارائه می‌کردند؛ کاری نشدنی. سه دهه بعد باز هم یک بحران دیگر، و باز هم اقبال به حزب سوسیالیست، این‌بار با نامزدی که حتی توان اسلاف قانونی را هم در چننه ندارد. می‌توان این‌دور را تا اید ادامه داد: دو دوره سوسیالیست‌های رام‌شده، یک دوره دست‌راستی‌های افسار گسیخته یک دوره کمونیست‌های اهلی، دو دوره لیبرال‌های منطقی. اسم این بلاهت مکرر را هم می‌گذاریم «چرخش نخبگان»، چرخه‌ای که هرگز از حرکت لزبورد خود باز نمی‌ایستد.

در تقابل با این بوچی منتشر، آنچه باید بر کشید چیزی نیست جز شمایل «التحریر». کاری که التحریر کرد پایان‌بخشیدن به دموکراسی فاسد و پوسیده پارلمانی بود؛ به مبارزه پاره‌لمانتاریستی، به انتخاب همواره تکرارنشونده میان بد و بدتر، به خواسته‌های حداقلی، به زندگی حادحالی‌تر، به نایمادی از ابداع روش‌های خلاقانه سیاسی، به مشارکت برنامه‌ریزی‌شده چهار یا پنج سال یکبار.

انتخاب «بد» از «بدتر» همچنان انتخاب «بد» بودن است. آنچه میان این هر دو مشترک است «بدی» است. «التحریر» نوع دیگری از مشارکت مردمان را در تعیین سرنوشت خویش پیش روی آورد. دیگر نیازی نیست صبر کنیم تا نوبت بعد، دور بعد. می‌توان هر لحظه به التحریر آمد، خواسته‌های خود را فریاد زد و تا تحقق آن به خانه بازنگشت. اگر تا دیروز این یک‌جور خیال‌پردازی آرمانگرانه و ایده‌آلیستی می‌نمود، از فردای «التحریر» حجم واقعی خود را بر رخ کشید، هرچونکه بسیار پیش از اینها در کمون یکبار برای همیشه خودنمایی کرده بود. طنز تاریخ است که فرانسه، میراث‌خور انقلاب کبیر و کمون نامکرر پاریس اینک باید چشم در چشم التحریر بدوزد، شاید چون التحریر بی‌آنکه بلداند خاطره ۷۰ روزه کمون را زنده می‌کند ولو در مقیاسی بس کوچک‌تر و ضعیف‌تر؛ خاطره مردمانی را که دیگر حاضر نیستند نمایندگی خود را به کسی بدهند، خواه سارکوزی باشد، خواه اولاند، و خواه هر کس دیگر.

بی‌نوشت:

روشن است وقتی از شمایل «التحریر» سخن می‌رود منظور، فرم از قبل موجودی است که التحریر برای مشارکت سیاسی مردم احیا کرده است، قطع‌نظر از نتایج، پیله‌ها، سرخوردگی‌ها، نهایتاً میوه‌ای که در یک سال اخیر، احزاب سیاسی مصر، فرصت‌طلبانه، از آن چیدند.

پوتین «سه باره» آمد

گروه جهان - نیما راد: پوتین امروز «سه باره» می‌آید و مدودف می‌رود. بیش از یک دهه است که تنها دو نفر بر صندلی ریاست‌جمهوری و نخست‌وزیری روسیه در کاخ کرملین تکیه می‌زنند. سه بار ولادیمیر پوتین، یک‌بار دیمیتری مدودف؛ طرفداران‌شان معتقدند که همین دو نفر روسیه را از منجلاب پس از فروپاشی شوروی بیرون کشیده‌اند. اما مخالفان دو رهبر «حزب روسیه متحد» می‌گویند کشورشان در حال فرو رفتن در منجلاب دیکتاتوری است.

ظهر امروز مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری ولادیمیر پوتین بر گزار می‌شود و شش شبکه دولتی روسیه این برنامه را به صورت مستقیم پخش می‌کنند، تنها یک روز پس از آنکه هزاران نفر از مخالفان پوتین برای چندمین بار در ماه‌های اخیر به خیابان‌ها آمدند و شعار «وسیه بدون پوتین» سر دادند. با اینکه پوتین چند بار سوگند ریاست‌جمهوری را تکرار کرده و شاید آن را حفظ باشد، اما او به خوبی می‌داند که کرملین آرامش گذشته‌اش را ندارد زیر پوتین در حالی به کاخ ریاست‌جمهوری باز می‌گردد که اتفاقات پس از برگزاری انتخابات پارلمانی در دسامبر ۲۰۱۱ و انتخابات ریاست‌جمهوری در مارس ۲۰۱۲ بر حکومتش سایه انداخته است.

با اعلام نتایج انتخابات پارلمان و پیروزی حزب روسیه متحد، بیش از یک‌میلیون نفر از مخالفان پوتین به خیابان‌ها ریختند و بزرگ‌ترین تظاهرات اعتراضی پس از فروپاشی شوروی را رقم زدند. معترضان مدعی بودند که نتایج انتخابات با اعمال نفوذ پوتین دستکاری شده است و کمیسوی نظارت بر انتخابات هم اعلام کرد که بیش از سه هزار تخلف را در این انتخابات ثبت کرده اما رهبران روسیه مدعی شدند که این مساله تأثیری در نتایج انتخابات نداشته است. در نهایت اعلام شد که حزب روسیه متحد کمتر از ۵۰ درصد آرا را کسب کرده درحالی که سهم آرای این حزب در انتخابات سال ۲۰۰۷، ۴۶درصد بود و کاهش

مرک دستیار کرزای در تصادف



بی‌بی‌سی:صیغت‌الله سنجر، رئیس اداره سانگداری دفتر ریاست‌جمهوری افغانستان در تصادف با یک نفربر ارتش ملی افغانستان در کابل کشته شد. دختر سنجر نیز در این تصادف کشته شده است. صیغت‌الله صیغت نامزد سنجر، رهبر حزب جمهوری‌خواهان افغانستان یکی از نامزدهای احتمالی دور بعدی انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان به‌شمار می‌رفت.

جهان

محبوبیت پوتین و حزیش بیشتر از همیشه خود را نمایان کرد. پس از برگزاری چند تظاهرات گسترده علیه پوتین و دستگیری و آزادسازی چند نفر از رهبران اپوزیسیون و صدها معترض انتخابات، زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری فرا رسید. ۶۴درصد دوباره تکرار شد و ولادیمیر پوتین برای بار سوم رئیس‌جمهوری روسیه شد. اعتراض‌ها ادامه یافت و مخالفان باز هم ادعاهای پیشین خود را تکرار کردند.

ماجراهای مدودف – پوتین

روی دیگر ماجراهای دونفره کرملین، دیمیتری مدودف ۱۶۳سانتی‌متری است که ویلاگ‌نویسان روسیه او را «رئیس‌جمهور نانو» می‌نامیدند. مدودف که پیش از ریاست‌جمهوری، نخست‌وزیر پوتین بود به رسم دو نفره‌شان بلافاصله پوتین را در جایگاه نخست‌وزیری نشاند. بسیاری می‌گفتند که پوتین هنوز بازیگر اصلی سیاست روسیه است و این امر تأثیر زیادی در تخریب جایگاه او میان افکار عمومی داشت. با این حال دیمیتری مدودف، حقوقدان و رئیس سابق شرکت «گازپروم» با وجود آنکه وفاداری خود به همشهری سن‌پترزبورگی‌اش را ثابت کرد، طی چهار سال ریاست‌جمهوری گاهی استقلال خود را به معرض نمایش گذاشته و به خود اجازه داد در مسایلی همچون جنگ لیبی و مساله «میخایل خودوروفسکی» سرمایه‌دار بزرگ روس، به صورت غیرمستقیم از پوتین انتقاد کند اما به نظر می‌رسد حیات سیاسی مدودف باز هم به پوتین وابسته باشد.

پوتین ۶۰ساله در حالی «سه باره» می‌آید که با تغییر قانون انتخابات و افزایش دوره ریاست‌جمهوری از چهار به شش سال، قادر خواهد بود دو دوره و تا ۷۲ سالگی همچنان در قدرت باقی بماند و با کسب رکورد ۲۰ سال حکومت در تاریخ معاصر روسیه، شانه‌به‌شانه با استالین رقابت کند. او وعده داده که در دوره سوم ریاست‌جمهوری‌اش، درآمد طبقه متوسط روسیه را باز هم افزایش می‌دهد

بازجویی از نخست‌وزیر



ایلمنا: کمیته ویژه محاکمه نخست‌وزیران کنونی و سابق از شیخ «ناصر محمدالمصباح» نخست‌وزیر سابق کویت به علت اتهامش به سلسله انتقال‌های مالی غیرمشروع از طریق سفارتخانه‌های کویت در کشور بازجویی کرد. شیخ ناصر که برادرزاده شیخ «صباح الاحمد الجابر الصباح» امیر کویت است هر گونه تلافی مالی را رد کرد.

نژادپرستیِ روشنفکران

آکِن پَدیو

ترجمه ناصر فکوهی

«آکِن پَدیو»، فیلسوف و نویسنده فرانسوی متولد ۱۹۲۷، در حال حاضر استاد فلسفه دانشسرای عالی فرانسه (اکول نورمال) است. این مقاله روز پیش از دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه در روزنامه «لوموند» منتشر شده است و ویدیو تمعدا بر آن بوده که پیش از روشن شدن نتایج نظرش را درباره سهم روشنفکران و به‌ویژه روشنفکران چپ فرانسه که خود یکی از برجسته‌ترین آنها است، در بالا گرفتن آرای راست افراطی و احساسات ضد خارجی در این کشور بیان کند. عنوان مقاله، عنوان اصلی خود مقاله است.

اما پاسخ‌های نادرستی به آنها می‌دهد! آیا این فرد یک فعال سیاسی حزب لوپن در آژراس بود؟ خیر، او یکی از نخست‌وزیران فرانسوا میتران آرییس‌جمهور دست چپی فرانسه! بود. عقب‌افتاده‌های پشت‌صحنه نبودند که مراکز زندانی‌کردن مهاجران را ساختند و به دور از هر گونه حقوق و قوانین واقعی، امکان به دست آوردن مجوزهای لازم برای حضور در خاک فرانسه را ناممکن کرده‌اند، بلکه مسوولان سیاسی‌اند که چنین می‌کردند و می‌کنند. وانگهی آیا واقعاً مردم جان به لب رسیده حومه‌های فقیر شهری فرانسه هستند که امروز در سراسر جهان، ویژه‌ایان این کشور را به صورت قطرچکانی به همه می‌دهند و در فرانسه برای پلیس، سهمیه‌های مشخص در اخراج مهاجران تعیین می‌کنند؟ تصویب قوانین بی‌دربی برای محدود‌کردن حقوق این مهاجران، به بهانه آنکه فرهنگ آنها با فرهنگ ما تناسب ندارد و جمله‌بردن به حق آزادی و برابری میلیون‌ها انسانی که از این استدلال‌ها را از آن خود بردون آنکه هرگز سخنی از کمک و مسوولیت سنگین «چی»‌ها در این ماجرا چیزی بگوید. آیا به جز آن بود که روشنفکران ما در استدلال‌های خود همچون پشت‌صندوق‌نشینان سوپرمارکت‌ها آشغالی بسیار پایین در فرانسه! با هیجان از آن صحبت می‌کردند که عرب‌ها و سیاهان به‌خصوص جوانانشان نظام آموزش ما را خراب کرده‌اند، حومه‌های شهرهای ما را به فساد کشیده‌اند، آزادی‌های ما را به زیر سوال برده‌اند، به زنان ما توهین می‌کنند. دائماً گفته می‌شود که در اکپ‌های فوتبال ما تعداد خارجی‌ها «بیش از اندازه» است، همان‌طور که در دوران جنگ درباره یهودیان از «بی‌رگ و ریشه» بودن آنها سخن گفته می‌شد و از خطری که از سوی آنها متوجه فرانسه جوانان‌ای است قصد نابودی‌اش را دارند و در همه این سخنان کسی به نقش و کمک روشنفکران و «فیلسوف»‌های ما به این استدلال‌ها سخنی نمی‌گوید.



عکس: Reuters

و در این راه چشم به افزایش قیمت نفت و گاز دوخته است. مدودف ۴۷ساله هم در حالی «دوباره» می‌رود که طی دوران ریاست‌جمهوری خود در مجموع ۲۱۲ سفر به ۶۸ منطقه روسیه و ۱۱۵ بازدید از ۵۲ کشور جهان انجام داده است. در مجموع ۱۶۹۳ ساعت با هواپیمای پرواز کرده و طی آن بیش از یک‌میلیون کیلومتر را پشت‌سر گذاشته است.

سکته نکرده‌ام



ایسنا: مصطفی عبدالجلیل، رئیس شورای ملی انتقالی لیبی در پیامی در صفحه شخصی خود در فیس‌بوک اخبار منتشر شده مبنی بر سکته قلبی خود را تکذیب کرد. او گفت: حالم کاملاً خوب است و تنها به خاطر فشار کاری و فشرده‌گی برنامه‌های ملی و مشغله‌های فکری دچار ضعف فشار شده بودم.

البته شکی نیست که گروهک‌های فاشیستی‌ظاهر شده‌اند که خود را طرفدار اسلام اعلام می‌کردند و می‌کنند، اما گروهک‌های فاشیستی‌هم ظاهر شدند و می‌شوند که امروز به‌شدت از غرب و از مفهوم «مسیح – شاه» حمایت می‌کنند. آیا چنین واقعیتی مانع آن شد که روشنفکران ما همگی به موج اسلام هراسی بپیوندند و از تر «برتری» غرب و «ریشه»‌های تحسین‌برانگیز مسیحی در لائسیسمه ما سخن بگویند؟ همان لائسیست‌های که مارین لوپن، در عمل به یکی از پروپاقرص‌ترین طرفدارانش تبدیل شده است و بدین‌ترتیب مشخص کرده که ریشه‌های فکری‌اش از کجا آب می‌خورد. در حقیقت روشنفکران بودند که خشونت‌ضمردمی را ابداع کردند و آن را به طور خاص علیه جوانان شهرهای بزرگ هدایت کردند و این همان رمز حقیقی اسلام هراسی بود و حکومت‌های ناتوان از ساختن جامعه‌ای مبتنی بر صلح مدنی و عدالت بودند که از خارجی‌ها، گوشت قربانی خود را برای انتخابات تهیه کردند، از عرب‌ها و خانوده‌های‌شان، تا بتوانند انتخاب‌کنندگان سر در گم را به سوی خود جذب کنند. همچون همیشه نیز، فکر، ولو فکری جنایت‌بار پیش از قدرت از راه رسید و به افکار عمومی‌ای که به آنها نیاز داشت شکل داد متأسفانه باید اذعان کرد روشنفکر بودن اغلب مقدمه‌ای بود برای وزیر شدن، وزیری که سپس خدمه خود را گرد خویش جمع می‌کرد. کتاب، ولو کتابی که باید به دور انداخته شود، پیش از تصویری می‌آمد که به جای آنکه چیزی بیاموزد، آدم‌ها را گمراه می‌کرد و ۳۰ سال تلاش‌های صبورانه در نوشتار، انتقام‌جویی و رقابت‌های انتخاباتی بی‌آنکه اندیشه‌ای هدایتشان کند، ما به ازای مصیبت بخار خود را در وجدان‌های خستهای بروز داد که در رای‌دادن گوسفندوار تجلی‌می‌یافتند.

حال باید گفت، شرم بر این‌س حکومت‌های بی‌دربی که همگی با یک‌دیگر رقابت داشتند که کدام بیشتر از مضامینی چون «هنیت» و «مساله مهاجران» دفاع کنند! در حالی که مساله اصلی‌شان همانگونه که به‌وضوح مشاهده می‌شد، سود رساندن به اقلیت‌های اای اقتصادی بود؛ شرم بر روشنفکران نو-نژادپرست و ملی‌گرایان در پرده‌ای که رفته‌رفته و با سودبردن از خاموشی موقت اندیشه‌های آرمانشهرگرانه جامعه برابرخواه، گوش‌ها را از مزخرفات خود درباره خطر به اصطلاح «اسلامی» و احتمال تخریب «ارزش»‌های ما، پر می‌کنند!

اما هستند که امروز باید پاسخگوی بالاگرفتن فاشیسم خرنده در کشور ما باشند، فاشیسمی که آنها بدون وقفه به توسعه فکری‌اش یاری رسانده‌اند.

قاپ روز



«جاش فتال» و «شین بانر» دو آمریکایی بازداشت شده در ایران باهم ازدواج کردند.
عکس: AP

دور و نزدیک

اوباما از «اوهایو» استارت زد

■ **یورونیوز:** باراک اوباما، اولین کمبین بزرگ خود برای انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا را در ایالت اوهایو آغاز کرد. او گفت اگر برای بار دوم به ریاست‌جمهوری برسد اقتصاد آمریکا را بهبود خواهد بخشید. هم‌زمان، اوباما برنامه‌های اقتصادی میت رامنی، رقیب جمهوری‌خواه خود را به نفع ثروتمندان تفسیر کرد. او گفت: «فرصت برنده شدن را از میت رامنی خواهیم ستاند. این فقط انتخاباتی دیگر نیست فرصت پیروزی یا شکست طبقه متوسط است، به اندازه‌ای وقت و انرژی صرف کرده‌ایم که نمی‌توانیم از این راه منصرف شویم.»

بازداشت فعال حقوق بشر بحرینی

■ **بی‌بی‌سی:** نبیل رجب، فعال حقوق بشر بحرین در فردگاه و پس از بازگشت از بیروت بازداشت شد. او رئیس مرکز حقوق بشر بحرین است که خواهان رسیدگی به موارد نقض حقوق انسانی از جمله سرکوب و بازداشت گسترده معترضان است. رجب همچنین با گروه‌های بین‌المللی حقوق بشری مانند دیده‌بان حقوق بشر ارتباط داشت. بحرین بیش از یک‌سال است که درگیر شرايط امنیتی‌هایی است که در جریان آن بیش از ۳۰ نفر کشته شدند. شیعیان بحرین از تبعیض توسط اقلیت سنی حاکم شکایت می‌کنند.

رای‌گیری در یونان

■ **خبرگزاری آلمان:** انتخابات پارلمانی در یونان روز گذشته انجام شد. انتخابات یکشنبه‌مهم‌ترین انتخابات چند سال اخیر در یونان به حساب می‌آید. حدود ۱۰ میلیون واجد شرایط می‌توانند دولتی را انتخاب کنند که باید این کشور را از بدهی‌های سرسام‌آور مالی نجات دهد. گفته می‌شود دو حزب بزرگ این کشور «دموکراسی نو» و «سوسیالیست» بسیاری از آرای خود را در این انتخابات از دست خواهند داد. این دو حزب ۲۸سال است رهبری سیاسی یونان را به‌طور متناوب در دست دارند. پارلمان یونان ۳۰۰کرسی دارد.

مرگ دو فرمانده طالبان

■ **بی‌بی‌سی:** ناټو می‌گوید که به دنبال یک عملیات در شمال افغانستان پنج شورش مسلح از جمله دو فرمانده طالبان کشته‌شده‌اند. اعلامیه‌ناټو از فرماندهان طالبان که در این عملیات کشته شده‌اند، به نام‌های مهدی و محمد مظهری یاد کرده است. فرمانده مهدی، رهبری یک گروه «شورای طالبان را در دست داشته، مسوول برنامه‌ریزی حملات طالبان در فاریاب بوده و همچنین مسوولیت فراهم کردن منابع مالی طالبان در حوزه شمال را برعهده داشته است. محمد مظهری از فرماندهان محلی طالبان بوده است که تحت فرمان مهدی فعالیت می‌کرد.

تهدید به برکناری نوری المالکی

■ **ایلمنا:** به گفته برخی منابع سیاسی، «اسامه النجیفی»، رئیس مجلس نمایندگان، «مسعود بارزانی»، رئیس اقلیم کردستان، «یاد علوی»، رئیس فهرست «العراقیه» و «هتدیی صدر»، رهبر جریان صدر، نامه‌ای را به نوری المالکی فرستادند و از او هشت درخواست را مطرح کردند که باید تا ۱۳ ماه اعتباری شوند و در صورتی که المالکی به اصول و چارچوب توافق رهبران در اربیل پایبند نباشد و این شرایط را برآورده نکند، تداپیری اتخاذ می‌کنند که طی ۱۵روز پس از ضرب‌الاجل اعلام شده، برای رای اعتماد به دولت اقدام شود.

ارمنی‌ها پای صندوق رای

■ **بی‌بی‌سی:** روز گذشته در ارمنستان انتخابات پارلمانی انجام شد. حزب جمهوری‌خواه وابسته به سرژ سرکیسیان، رئیس‌جمهوری به همراه حزب ارمنستان مرفه که دو حزب حاکم در دولت ائتلافی هستند، از جمله احزاب اصلی در این انتخابات به شمار می‌روند. حزب کنگره ملی ارمنستان وابسته به لئون تریتزوسیان، رئیس‌جمهورسابق، مهم‌ترین رقیب ائتلاف حاکم است. در سال ۲۰۰۸ و در پی انتخابات ریاست‌جمهوری که سرژژ سرکیسیان، نخست‌وزیر وقت برنده آن اعلام شد، هزاران نفر با حضور در خیابان‌ها نسبت به نتایج انتخابات اعتراض کردند.

دراین روز

۷ می ۱۹۹۹

جنگ کوزوو

■ در سال ۱۹۹۸، میلوسوویچ کمپینی را به منظور مقابله به مثل با شبه‌نظامیان کوزوو بنیان نهاد که نتیجه آن قتل عام و نسل‌کشی البانیایی‌تباران به دست ارتش و پلیس صربستان بود. جامعه بین‌الملل از صربستان خواست درگیری‌ها را با صلح و آشتی خاتمه دهد، ولی میلوسوویچ این درخواست جامعه جهانی را رد کرد.

سه ماه بعد ناټو با بمباران صربستان در مارس ۱۹۹۹، صربستان را مجبور به اتمام جنگ کرد. سرانجام نیروهای صرب در ژوئن ۱۹۹۹ از کوزوو عقب‌نشینی کردند. شورای امنیت سازمان ملل طی قطعنامه شماره ۱۲۴۴، مصوب سال ۱۹۹۹ در کوزوو یک حکومت موقت ایجاد کرد که تحت نظارت سازمان ملل کار خود را آغاز کرد.